

هنرمندان پیش از تاریخ

تورج رهبر گنجه

جذابیت این عجایب طبیعی به نحوی عمیق در حس زیباآفرینی او، اثر نهاد. انسان «نئاندرتال» تکنولوژی خود را کامل ساخت. سنگ‌های بزرگ را تراشید و ابزار تیز ساخت و از قطعه سنگ‌های کوچک به صورت ماله، قلم حجاری، کارد و وسایل نوک تیز یا دندان‌دار، از استخوان و شاخ حیوانات نیز، بهره‌مند شد. جهت شکار از قطعه سنگ‌های «کروی» که به طنابی از چرم و پوست متصل بود، استفاده کرد و برای خود جان پناه ساخت. برای فرار از سرما و گرما و نیز حیوانات وحشی به دامان غارها پناه برد و چون در اروپا و آسیا دوره «پیته کانتروپ» (pithecantrop) آتش کشف شده بود، با آرمش تمام توانست هنرآفرینی نماید (فرانسوا بورد، ص ۲۱) با این وجود، با توجه به مدارک به دست آمده تا ۴۰ هزار سال پ.م نمی‌توان به وجود آثار هنری به مفهوم اخص و تلاش انسان در راه ساختن سمبل‌ها و نشانه‌های هنری اشاره کرد. این عامل سبب شده است تا پنداریم هنر در آغاز سیر، کندی داشته است. غارهای تزئین شده در اسپانیا، فرانسه، ایتالیا، ایران و حتی نواحی اورال (Oural) و نیز اشیاء منقوش یا حکاکی شده در کنار اقیانوس اطلس و نواحی دریایچه «بایکال در سیبری نشانگر آنند که شعاع نقاشی و نقوش در منطقه پیرنه (pirney) در کنار اقیانوس اطلس تا بایکال و دیگر نواحی از ۳۵ هزار سال پ.م گسترش داشته است و این امر توانایی انسان گذشته

بررسی موضوع شکار و شکارگری در زندگی بشر بدوی از جنبه هنری آن دارای اهمیت ویژه‌ای است. آنچه از او انسانی هنرمند و نقاش در درون غارهای نمور و تاریک ساخت شاید علاقه و افر و نیاز حیاتی به شکار حیوانات بود. انسان نئاندرتال (neandel Tal)، (۱۰۰ هزار تا ۱۵۰ هزار ق.م)، حس زیباپرستی خود را شاید با صدا یا ضرباهنگ و حرکات بدن ارضا و اجرا می‌کرد. حدس می‌زنند که این تمایلات اولیه در ادوار بعدی به آواز، موسیقی، رقص و سرانجام با هنر نمایی انسان هوشمند دانش (Homosapiens.sapiens) با گالری‌های هنری بر بدنه غارها همراه گردید. نئاندرتال‌ها اعیان گذشته انسان «هوشمند دانا» از یکصد هزار سال قبل از خاک اخرای سرخ طبیعی استفاده می‌کردند، اما از آنچه برای شناسایی سیر پیدایی هنر لازم است امروزه سهم ناچیزی در اختیار باستان‌شناسان و متخصصان دوره ماقبل تاریخ قرار دارد. طبیعی بود که انسان هوشمند با گذشت یکصد هزار سال توانایی لازم را در به کارگیری رنگ‌ها بر بدنه غارها بیاموزد. کشف سنگ‌هایی به اشکال عجیب، وجود توده‌های جامد، صدف‌های فسیل شده که در محل استقرار انسان‌های ماقبل تاریخ یافت گردیدند بیانگر آن است که انسان‌های گذشته با شکل‌هایی سر و کار داشتند که در طبیعت پیرامون آنها بدون دخالت موجودات زنده وجود داشت.

گمانه زنی دانشمندان باستان شناس و

هنر شناسان در مورد پدیده‌های هنری انسان در

غارها و سیر تکاملی او، گرچه از حد حدس و

گمان علمی فراتر نمی‌رود و نمی‌توان بر بنیاد

آن پدید آمدن و تحول انسان و دستاوردهای

هنری او را به روشنی تفسیر نمود، اما در جای

خود نشان از شوق و کوشش انسان معاصر

برای درک و دریافت گذشته خویش دارد.

انسان از چه زمانی بدنه غارها را به عنوان

سطحی مناسب و محفوظ از برف و باران و باد

برای نقاشی و انعکاس هنری آنچه دیده، شنیده

و باور داشته انتخاب کرده است؟

انسان هوشمند برای نقاشی‌های خود از چه

موادی بهره برده است؟

تصاویر اولیه انسان بر دیواره غارها چه

محتوایی داشته و نمایانگر چه خواست‌ها و

آرزوهایی بوده است؟

اینها پرسش‌هایی است که نویسنده کوشیده

است با بهره‌گیری از منابعی چند، تا آنجا که

میسر است، زاز گشایی کند و با ارایه

تصاویری از غارهای کهن، نقاشی‌های اولیه

انسان، سمبل‌های آن، قدمت و جغرافیای

این گونه آثار را روشن کند.

در جستاری که پیش رو دارید، نویسنده ضمن

ارایه سیر هنر نقاشی انسان هوشمند در ادوار

پیش از تاریخ، با تحلیلی تطور گراییه و

تکاملی از انسان در خلال روزگاران،

دستاوردهای اولیه هنری او را

مورد تفسیر قرار داده است.

را در به کارگیری و حرارت دادن خاکِ اخرای طبیعی نشان می‌دهد. آنها خاک اخرای سرخ را اکسید نموده، رنگ آن را تغییر داده و رنگ‌های زرد، قرمز، سیاه و مایل به بنفش را کشف کردند.

مرحوم اقبال آشتیانی در کلیات تاریخ تمدن جدید می‌نویسد: اولین آثاری که از انسان واقعی به دست آمد از ۳۰ هزار سال قبل است. و بیشتر آنها متعلق به اروپای غربی مخصوص فرانسه و اسپانیا است این آثار و اشیاء که قدیمترین یادگاری اجداد مردم کنونی به شمار می‌آید. عبارت است از سنگ‌های تیز شده و استخوان‌های تراشیده و نقاشی در روی دیوار غارها و غیره... ویل دورانت در کتاب «تاریخ تمدن» می‌گوید: اکنون آثار و بقایایی به دست آمده که با وجود شک و تردیدهایی که در باره تاریخ آنها می‌شود می‌توان گفت مربوط به انسان پیش از تاریخ است. در سال ۱۹۲۹ میلادی دیرینه‌شناس چینی به نام و.س.پی (V.S.P) در غار جوکوئین در شصت هزار گزی ناحیه پینگینگ pipinge مجموعه‌ای به دست آورد که به نام انسان جوکوئین مورد تایید دانشمندان بزرگ از جمله «آبه پروی» (A. Bervey)

و الیوت اسمت (O. Smith) قرار گرفت. کهن‌ترین سنگواره‌ای که بی‌شک تعلق به نئاندرتال هاست در دره «سولدورف آلمان در سال ۱۸۵۷ م.» پیدا شد و آزمایشات صورت گرفته تاریخ آن را ۴۰ هزار سال پ.م اعلام کرد و تقریباً شبیه استخوان‌هایی است که در نواحی بلژیک، فرانسه و اسپانیا و حتی در سواحل دریای گالیه یافت شده است. با انقراض نسل نئاندرتال‌ها، «کرومانیون»‌ها ظهور کردند. آنان نیز

همانند نیاکانشان غارنشین بوده و سکونت در آنجا را مناسب‌ترین مکان و جان‌پناه داشتند. تقریباً در حدود ۷۴ سال پیش یعنی در سال «۱۹۳۵ م.» هنگامی که «سینور مارسلینور دوسوتوولا» (m. Dosotoulla) در ملک شخصی خود در وادی «آلتامیر» در شمال اسپانیا گردش می‌کرد که غار فوق را از نزدیک مشاهده کرد. با انفجار دینامیت، غار شکفت انگیز نمایان شد. سه سال بعد، «سوتوولا» برای تماشا به درون غار رفت و نقوش عجیب و خارق‌العاده غار را دید. در سال ۱۸۸۰ میلادی «سوتو» با انتشار گزارش ویژه‌ای ترغیب و تشویق باستان‌شناسان جهت بازدید از آن را فراهم آورد.

(منبع ویکیدیا اینترنت)

آنچه امروزه مورد قبول عامه مردم و عموم باستان‌شناسان قرار گرفته این است که نقاشی‌های

□ با توجه به مدارک به دست آمده تا ۴۰ هزار سال پیش از میلاد نمی‌توان به وجود آثار هنری به مفهوم اخص و تلاش انسان در راه ساختن سمبل‌ها و نشانه‌های هنری اشاره کرد. این عامل سبب شده است تا پینداریم هنر در آغاز سیر، کندی داشته است.



دره ساگولا سه تا هشت هزار ق.م عرض تقریباً ۲/۵ سانتیمتر، کاستول اسپانیا

آلتامیر او قسمت اعظم آثار هنری که از دوران ماقبل تاریخ بر جای مانده است، مربوط به دوره ماگدالنی بوده و ۱۶ هزار سال قدمت دارد.

مفهوم غار (cave)

غارها، آبراه‌ها و یاراهای طبیعی بوده که در دل زمین‌های خاکی یا دامنه کوه‌ها به وجود آمده و انسان درازمنه کهن در مقام پاسخ به تغییرات ناگهانی هوا، سردی گرمی، ترس از رعد و برق، تهاجم حیوانات وحشی، بلایا، سیل، به درون آن پناه برده و چون آنجا را مناسب سکونت و استقرار یافت برای زیست انتخاب کرد. این مرحله از زندگی انسان که هزاران سال به طول انجامید به زندگی غارنشینی (cave-dwelling) مشهور شد و خود انسان غارنشین «cave man» لقب گرفت. توالی استقرار انسان در این دوره، بیانگر این است که انسان اولیه

غار را مناسب سکونت یافته است.

(فرهنگ مصور ص ۵۳) بررسی‌ها و تحقیقات نشان داده است که مردمان پیش از تاریخ نقاشی‌هایشان را عموماً در غارهایی می‌کشیدند که طین و قدرت صدا در آنها ملموس تر بوده است. پژوهشگران در بیش از ۱۰ غار منقوش متعلق به دوره پارینه سنگی (paleolithiqu) مشاهده کردند این امکان به طور طبیعی قابلیت آن را دارند که صداها را طنین دار و با قدرت بیشتر منعکس سازند. از میان این غارها، می‌توان به غار نیاکوس «niaux» در یکی از محوطه‌های باستانی فرانسه اشاره کرد. آقای «لزورر زینکوف» معتقد است دیوارهای نقاشی شده غارها حکم پرده‌ای را داشتند که در اجرای مراسم مذهبی مورد استفاده قرار می‌گرفت. آنچه در میان تحقیقات و نوشته‌های پژوهشگران مورد پذیرش عامه است، وجه مذهبی بودن تصاویر و قدرت جادویی آن است.

اغلب غارهای مکشوفه حاصل آبروهای زیرزمینی بودند که طولشان گاه بین یکصد متر تا بیش از هزار متر می‌رسید. و به شکل غیر قابل عبور

توسط گسل‌هایی متعدد یا ته نشین شدن استلاکتیت‌ها و استلاگمیت‌ها مسدود و پوشیده شده بودند. انسان شکارورز هنرمند در اعماق این غارها به دور از هر نوع روشنایی طبیعی تصاویر جانورانی چون گاو وحشی، گوزن، اسب، گراز، گرگ و برخی حیوانات ناشناخته (مانند نقوش میرملاس لرستان) بر بدنه غارها نقش زد. ابزار او برای روشنایی «آتش» و برای طراحی گل اخرای زرد، قرمز مشکلی و سفید بوده است. برای

رنگ آمیزی گل اخرا را می‌ساییدند، و سپس به صورت پودر درآورده و بر بدنه غار می‌پاشیدند. از استخوان‌های تیز حیوانات برای ترسیم اشکال جانوران و انسان استفاده می‌کردند. برای صاف کردن دیوارها از لیس‌های (lise) سنگی صاف، یا پوست حیوانات پشم‌دار استفاده می‌کردند. سنگ چخماق نوک تیز از دیگر ابزار قابل استفاده او بود. این ابزارها اگرچه امروزه از نظرها، پیشرفته نبودند ولی برای انسان آن روز که خالق این آثار شگفت‌انگیز بودند، کفایت می‌کرده است.

هنرمند عصر باستان از مشاهده کنجکاوانه خود در ضبط حالت‌های گذرا و لحظه‌ای همانند دوربین عکاسی امروزه عمل می‌کرده است. بر خورد او با پیکره‌ها، ناتوالیستی بود. اما ترسیم اشکال در غارها، گاه در ورودی غار و برخی در انتهای

غارنقش بسته شده است. دوری محل این نقاشی‌ها و دشواری دستیابی آنها باعث گردیده است تا با گذشت هزاران سال همچنان سالم و دست نخورده باقی بمانند.

پرتو افکنی هنر بر غارها

نیاز و اعتقاد از عوامل بزرگ تولید و گسترش فرهنگ در بین گروه‌های کوچک و بزرگ انسانی از بدو پیدایش به حساب می‌آمده است. علاقه به آفرینش، ترسیم اشکال و تصاویر را در او به وجود آورد. زبان تصویر با شکوه‌ترین خواسته‌هایش را ترسیم کرد. و این، نتیجه توالی سکونت انسان در غارها بود که با ثبت آثار ارزشمند همراه شد و بر اساس حس ناتوراالیستی «naturalist» و گاه بر پایه حدس و گمان نقوش جانوران در ذهنش ثبت می‌شد و بر بدنه غارها نقش می‌پست. هدف او را از این اشکال، بازتاب واقعی طبیعت و جانوران پیرامون، حس زیبا آفرینی، قدرت جادویی، نیروی مذهبی می‌توانست باشد. «نقوش جنگاوران راهیما» در درون غاری در دره «Gamula» واقع در ناحیه «Castelun» اسپانیا، با قدمتی بین «۸ تا

۵ هزار سال» طرز برخورد هنرمند با نوع شکار را به نمایش می‌گذارد و بیان‌کننده شیوه بسیار قابل توجه در بعد عنایت به «ritme» تناسب خطوط و حتی «کمپوزسیون» بوده که هنرمند با لاغر کشیدن آدم‌ها در میان اشکال گوناگون و اغراق در آن، در فاصله پاهای و حرکت شکارچیان هنرنمایی کرده است.

نکته قابل اشاره در مورد هنر انسان‌ها و ماقبل تاریخ این است که وسایل و ابزار فنی مورد نیاز از همان ابتدا به اوج بازدهی و تکامل خود

رسیده بود. این واقعیتی است که خلق آثار مکشوفه در غارهای مختلف، مهر تأییدی بر این ادعاست. هنر صخره‌ای که سابقه دیرینه‌تر دارد و کهن‌ترین آن در «هندوستان» و مربوط به ۲۰۰ یا ۳۰۰ هزار سال پیش است، نشانه‌های فتجانی و خط منحنی را در یک «غار سنگی ریگی» کنده شده به بهترین شیوه ممکن به نمایش گذاشته است. نمایش پیکر در محیط به صورت شکل‌های طبیعی تبدیل یافته. اولین بار در سرزمین فلسطین بین ۲۵۰ تا ۳۰۰ هزار سال ق.م و سپس در وادی سبیری و اروپای مرکزی و کمی دیرتر در اروپای غربی به چشم می‌خورد. با شروع عصر یخبندان انسان به ناچار درون غارها پناه آورد و حضور مستمر و متوالی او به هنگام هوای سرد و یخبندان در درون غارها

بودرهای رنگی (خاک‌های اخرا، زرد، سفید، سیاه، به حالت سایه روشن درآورده که این شگردها خارق‌العاده، مستلزم مهارت قابل توجه هنرمندان است.

در آلتامیرا «Altamira» واقع در «santander» شمال اسپانیا یا درنی یو [نایو] «Niaux» در ایالت «آرسی یژ» فرانسه در حدود ۱۲ هزار سال پیش از میلاد در اعماق غارها شاهد زیباترین آثار هنری تاریخ بوده. در غار فون دوگوم و غار لاسکو، گذشته از سمبل جادو، قدرت و هنر، باید در مهارت فنی هنرمندان نقاش ماقبل تاریخ در استفاده از تضاد رنگ‌ها با خاک اخرا و رنگ‌های سیاه و زرد جست و جو کرد.

بسیاری از محققان بر این باورند که ترسیم این اشکال اثر جادوگرهای قبایل بوده، در حالی که، جادوگر هیچ‌گاه ملزم به رعایت دقیق اصول طراحی در اشکال و تصاویر نبود.

گراهام هنکوک «G.Henkoke» نویسنده انگلیسی در کتاب ملاقات با معلم‌های باستانی بشر می‌نویسد: شباهت‌های خیره‌کننده‌ای بین نقاشی‌هایی که در غارهایی که مربوط به ۲۵ هزار سال پیش از سوی هنرمندان جادوگر ترسیم شده و داستان‌های مربوط به پری‌ها، کوتوله‌ها فرشته‌ها و نیز سایر موجودات تخیلی قرون وسطی دارد.

امروزه کوشش بسیاری شده تا منشأ این نقوش را جادویی-مذهبی یا تزیینی قلمداد نمایند در حالی که مفهوم پیدایی خط کمتر مورد توجه واقع شده است (فرانسوا بورد ص ۱۱۷) علیرغم گذشت هزاران سال از ترسیم این اشکال بر بدنه غارها، هنوز با تعدد آراء متفاوت اندیشمندان درباره ظهور این تصاویر مواجه هستیم. لیکن در این میان آراء مربوط به هنر مذهبی-جادویی بر اغلب گفته‌های مورخان برتری دارد.

اشکال جانوران در صحنه‌ها در یک حرکت دائمی تصویر شده‌اند. هنرمند کوشیده تا رفتاری متقاعدکننده از خود نشان دهد. هر نقشی، بازتابی از مشاهده کنجکاوانه و حافظه خارق‌العاده او در شکار و شکاروری است. در اثر دیگری در غار لاسکو، مردی لاغر اندام در حالی که در برابر یک گاو وحشی عظیم‌الجثه و شکم‌دریده دراز کشیده و نقش بر زمین دیده می‌شود، تعجب‌هر بیننده‌ای را برمی‌انگیزاند. در «آلتامیرا» نقوش از ظرافت بیشتری برخوردار است. و با وجود این که ۱۲ هزار سال قدمت دارند،

▣ بررسی‌ها و تحقیقات نشان داده

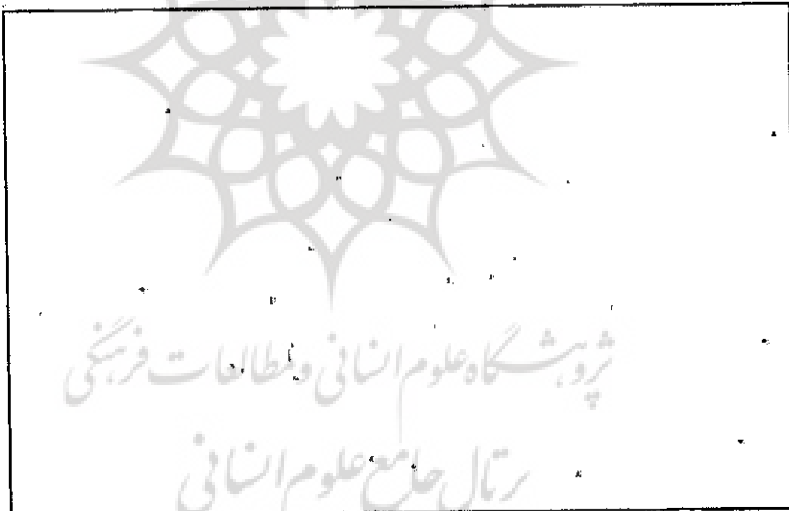
است که مردمان پیش از تاریخ

نقاشی‌هایشان را عموماً در

غارهایی می‌کشیدند که طنین و

قدرت صدادر آنها ملموس‌تر

بوده است.



غار لاسکو ده تا پانزده هزار ق.م بلندی گاو ۱۴۰ سانتیمتر دوردونی فرانسه

موجب گردید تا به ترسیم اشکال حیوانات پیرامون که غالب آنها زمینه شکاروری را تشکیل می‌داد، پردازد. و از نظر رعایت اصول طراحی با امکانات اولیه چنان طراحی با کیفیتی را به نمایش گذاشتند که اگر اغراق نباشد از حد و توان طراحان معاصر فراتر می‌رود. بررسی‌های انجام گرفته در غارهای فون دوگوم font.de.Gaume در دوردونی Derdogne غار لاسکو «Lascaux» همیان، دوشد، میرملاس لرستان، توانایی‌ها و مهارت‌های هنرمندان عصر کهن را نشان می‌دهد.

در غار لاسکو، هنرمند دیوار غار را که از قشری «کلیست» سفید و ناصاف پوشیده شده بود را، ابتدا صاف کرده و به وسیله یک پوست، دیوار غار را با

لیکن در سطح زیباترین آثار هنرهای بزرگ و ماندگار تاریخ قرار دارند. آنچه که هنوز بی‌پاسخ مانده است، موضوع ترسیم این نقوش در بخش صعب‌العبور غارهاست که گاه برای ورود به آن به صورت خوابیده باید به آنجا راه پیدا کرد. واقعاً هدف نقاش از انتخاب این محل برای چه بوده است؟ آیا قرار نبوده که تصاویر و اشکال در برابر دید همه قرار گیرند؟ نظر دیگر؛ شاید این تصاویر ریشه مذهبی، یا قدرت دست نیافتنی جادویی به همراه داشته است. تمامی این نظریات در بهترین حالت خود توجیه ناپذیر و شاید ناقص باشند، اما تصویر جانور بر بدنه تاریک غار بیانگر این است که این نقوش با انگیزه‌های قوی ترسیم شده‌اند. یکی از این آثار، سربک اسب در داخل غار «لاسکو» در میان یک شکاف حکاکی شده است و در حالی که خود هنرمند باستان توانسته برای ترسیم کامل اثر، سر خود را، داخل شکاف وارد سازد.

اقوام کهن مایایی‌ها در آمریکای مرکزی نیز معمولاً اعماق غارها را برای تزیینات خود انتخاب می‌کرده‌اند. دور ماندن این آثار از دسترس همگان

در حقیقت می‌تواند به نوعی تقدس اشکال را بیان سازد. نگارگران غار «پرگوسه» در ناحیه «لات» (lat) فرانسه نیز اشکال جانوران را در دورترین نقطه غار ترسیم می‌نمودند. تقدس و جادو، هیچ کدام از ارزش کار هنری آنان کم نخواهد کرد. اثر دیگری از گاو میش در انتهای غار لوتوک Lutouk واقع در «دودوبر» کوه‌های «پیرنه» یافت شده است. این تصاویر تا زمان کشف در اوایل قرن بیستم

میلادی قرن‌های متعددی در تاریکی مطلق فرورفته بود. حیرت انگیز است که شیوه بیان نیاز انسان‌های پیش از تاریخ آن هم با نخستین تلاش‌های او چنین ماهرانه ظهور کرده است. در پس هر نوآوری، قطعاً یک «نوآور» قرار گرفته است. سؤال اینجاست که آیا تمام انسان‌های نخستین نوآور به شمار می‌روند؟ لوآوران این صحنه‌های بی‌بدیل چه کسانی هستند؟ نقش زنان باستان در این نوع آوری تا چه میزان قابل بررسی است؟ در برخی از مناطق جهان از جمله دژ چکسلواکی و شوروی سابق که تحقیقات باستان‌شناسی مدارکی دال بر هنر انسان‌های غارنشینی ارائه نداده است، مجسمه‌های کوچک سنگی و گلین از صورت حیوانات مختلف، یا انسان که اغلب اندام زنان با فرم‌های مبالغه‌آمیز را نشان می‌دهد یافت شده است. رشد هنر نقاشی در ادوار پیش از تاریخ در بین تمام قبایل و ملیت‌ها

میرملاس و همیان همواره در انتقال و بیان نیازها و خواسته‌های اجتماعی آن دوران در وسیع‌ترین مفهوم نشان داده شده‌اند. بی‌گمان نکارگران میرملاس و همیان و دوشه تنها به انگیزه زیباآفرینی دست به آفرینش آثار نزده‌اند، لیکن مفاهیمی چون قدرت، جادو، احساس مفاهیم مذهبی را به زیباترین نحو به نمایش گذاشتند.

در کاوش‌های غار پیده (کوه‌های بختیاری واقع در شمال شرقی شوشتر) ابزارها و سلاح‌هایی از سنگ‌های ناصاف از قبیل چکش، پیکان، تیغه و تبر سنگی و نیز در نواحی «همیان» و میرملاس و دوشه، تصاویر جانوران و آدمیان منقوش بر صخره‌های قائم به رنگ‌های سیاه، زرد و سرخ یافت شده است که قدمت آنها به ۱۵ هزار سال ق. م می‌رسد. این آثار نشان می‌دهد که خالقان آن، از راه شکار و صید ماهی و گردآوری ریشه‌های گیاهان غذایی خود را مهیای ساختند (خلاصه تاریخ هنر، ص ۲۶)

نقوش غار همیان دارای ۱۰ نقش است که مانند دره میرملاس به رنگ‌های سیاه و زرد طراحی شده است. در میان نقوش، تصویری از گوزن و شکارچی

سوار بر اسب با تیر و کمان به صورت زیبا نشان داده شده است. در حالی که چنین کمائی در غارهای لاسکو، خون دوگوم و آلتامیرا یافت نگردیده است.

هنرمند باستان از میان دهها غارهای مختلف در نواحی لرستان به دنبال مناسب‌ترین مکان برای استقرار و نیز خلق آثار خویش بوده است.



نقاشیهای غار همیان، کوه‌دشت لرستان (منبع: نقاشی ایران از دیرباز تا امروز)

در غار دوشه، بر دیوارهای مسطح آن ۱۱۰ نقش زیبا با رنگ‌های سیاه و سفید نقاشی شده است که به علت عدم دسترسی بشر، همچنان سالم باقی مانده‌اند و از تجسم کاملتر و مطلوب‌تری برخوردارند. در این نقوش رزم انسانها به صورت گروهی نمایش داده شده‌اند. وجه مشترک اغلب غارها وجود نقوش گاو، گوزن، اسب و انسان شکارچی بوده که در اغلب غارهای اشاره شده ملاحظه گردیده است. لذا، اگر بخواهیم حضور این حیوانات را به معنی استیلا و تسلط بشر گذشته بر این حیوانات بدانیم، یا کوششی برای تکثیر به مثابه تولید غذای اصلی بپنداریم، فرضیه جادو تصویری و منهب‌نگاری آنرا چگونه اقامه نماییم؟ در صورت سوم، آیا در ورای این تصاویر منقوش بر غارها از سوی هنرمندان عصر حجر مفهومی عمیق‌تر نیز نهفته است؟

□ اغلب غارهای مکشوفه حاصل آبروهای زیرزمینی بودند که طولشان گاه بین یکصد متر تا بیش از هزار متر می‌رسید. و به شکل غیر قابل عبور توسط گسل‌هایی متعدد یا تهنه‌نشین شدن استلاکتیت‌ها و استلاگمیت‌ها مسدود و پوشیده شده بودند.

وجود داشته است. و این حاصل برتری شعور انسان‌های پیش از تاریخ بر دیگر موجودات پیرامون او بوده است. نقش آفرینی در غارها نیز محصول سیر تحول فکر، شعور و دستان و اندیشه‌های پیروزمند وی به حساب می‌آید (جان ناپیه، ص ۴۰). napie. Jan

بر اساس مدارک موجود، قدیمی‌ترین نقاشی‌های ایران در غار همیان واقع در منطقه کوه‌دشت لرستان و متعلق به ۱۵ تا ۱۰ هزار سال پیش است. در این میان هیچ‌یک از غارهای باستانی ایران به صورت جدی مورد تحقیق و بررسی قرار نگرفته‌اند. نقاشی‌ها و کنده‌کاری‌هایی که بر دیواره برخی غارها، همچون: تنگ پیده (پیده) دوشه، همیان، میرملاس دیده می‌شوند مربوط به عصر حجر بوده و حضور انسان غارنشین در ایران را متجلی می‌سازد. انگیزه زیباآفرینی هنرمندان

- ۸- فرانسوا، بورد، زندگی روزانه در عصر حجر، پیام، سال پنجم.
- ۹- کرمی، ماندانا، فرهنگ باستان شناسی مصر، میراث کتاب تهران، ۱۳۸۴.
- ۱۰- منبع ویکیپدیا (اینترنت).
- ۱۱- ویل دورانت کلیات تاریخ تهران، ج ۳.
- ۱۲- نایه، جان، چگونه شعور انسانی برتری یافت، پیام، سال سوم، ۱۳۵۱.

- ۲- اسدیان، خدیجه، جغرافیای دیرینه، انتشارات دانشگاه تهران، ح اول، ۱۳۶۹.
- ۳- محبی، حمیدرضا، بررسی نقوش شکار در هنر ایران، فصلنامه هنر، ش ۱۰.
- ۴- گوردن، آندره لروا، چگونه هنر پرغارها پرتوانکنند، مجله پیام، ش ۳۹، یونسک، ۱۳۵۱.
- ۵- ویلیام، و. هاوزل، بیست میلیون سال تحول و تکامل تبار انسانی، پیام، شماره ۳۹.
- ۶- لاهیجی، شهلا؛ کار، مهر انگیز، کتاب شناخت هویت زن ایرانی.
- ۷- مجله پیام، مهر، سال چهارم، یونسکو، ۱۳۵۳.

ده نتیجه گیری از نقاشی غارها

۱- جانوران نقاشی شده اغلب جانورانی اند که انسان با آنها سروکار داشته و بخش اعظم مواد غذایی او را تشکیل می داده است.

۲- در بیشتر نقاشی های درون غارها، جای انسان خالی است. شاید او نمی خواسته تسلط و چیرگی خود به آنها را به نمایش بگذارد.

۳- حیوانات نقاشی شدم در حال دویدن، گریز، و جابه جایی [نوعی] حرکت هستند.

۴- نقاشی ها اغلب در مکان های ضعیف غارها نقش بسته اند. به طوری که برای ترسیم آنها، یا دیدن تعدادی از آنها باید به صورت خزیده وارد محل نقش ها گردید.

۵- ارتفاع محل نقاشی ها بسیار زیاد و با هدف دور ماندن از دست و دیدگاه انسان تهیه شده است و می توانسته جنبه تقدس داشته باشد.

۶- طبق برخی نظریات [گورهان و لامینگ] اصولاً این نقاشی ها نمی خواهند بیان کنند که وضع شکار و فعالیت اجتماعی آن دوران چگونه بوده است و مفهومی فراتر از آن دارد.

۷- بشر اولیه از معماری طبیعی غارها، شناخت محل نقاشی، نوع سنگ ها رنگ ها و ترکیب آن شناخت کاملی داشته است، در غیر این صورت با وجود غارهای بی شمار در نواحی جهان و ایران بخصوص لرستان می توانست مورد استفاده قرار گیرند.

۸- نقاشی های می توانسته اند جنبه جادویی، القای مفاهیمی چون قدرت بیم و امید داشته باشند.

۹- اغلب صحنه ها مربوط به شکار، جنگ، رقص های جادویی به هنگام غلبه بر شکار، و گله های حیوانی بوده است.

۱۰- زنان که میزان حضور آنان در غار مستمر بوده و مردان به دنبال شکار و تهیه مواد غذایی به بیرون از غارها می رفته اند، می توانسته اند در خلق این آثار تأثیر گذارتر از مردان باشند.

منابع

- ۱- مرزبان، پرویز، خلاصه تاریخ هنر، انتشارات سازمان آموزش انقلاب اسلامی، اول،

۱۳۶۵

فصل سیزدهم

قطره

امداد صدقه نیست

ثمره وصلت زوجهای جوان در امداد امام
سطح رضایتمندی بالا و نرخ طلاق بسیار کم است